

هنوز به انتخابات اعتقاد دارم

حمیدرضا جلائی‌پور در گفت‌وگو با
«اعتماد»:

راه حل انتخابات ناهموار، اما ممکن است

سالگرد دوم خرداد در پیش است. انتخاباتی که در آن سیدمحمد خاتمی با کسب 85 درصد آرا به پیروزی رسید و با پیروزی او پدیده اصلاحات در سپهر سیاسی ایران پا به عرصه وجود گذاشت، به همین مناسبت و با توجه به تحولات سیاسی که پس از سالهای اصلاحات در ایران رخ داده است درباره اهمیت اصلاحات از طریق صندوق رای با حمیدرضا جلائی‌پور، گفت‌وگو کرده‌ایم.

به سالگرد انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ نزدیک می‌شویم. درباره آن انتخابات تاریخی و دستاوردهایش چه نظری دارید؟

دستاوردهای انتخابات دوم خرداد ۷۶ که روشن است. عالی بود. در آن زمان سیاست خارجی ایران با بحران روبه‌رو بود. کشورهای غربی سفرای خود را به کشورهایشان فرا خوانده بودند. آمریکا، ایران را تهدید نظامی می‌کرد. بوش پسر چهار سال بعد و پس از یازده سپتامبر ایران را محور شرارت نامید.

در چنین شرایطی مردم ایران با مشارکت کم‌نظیر در انتخابات ۷۶ و با مشارکت 80 درصدی خود سیدمحمد خاتمی را به ریاست جمهوری اسلامی رساندند و دوره اصلاحات را رقم زدند. با اینکه همان زمان اصولگرایان رادیکال هر ۹ روز یک بحران برای دولت خاتمی درست می‌کردند، اما شاخصهای اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی، اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد که کشور خوب اداره شد و زندگی و عزت مردم بهتر تامین شد. تورم یک رقمی شد. رشد اقتصادی کشور به بالای 5 درصد رسید. سرمایه‌گذاری افزایش یافت. به پیشنهاد ایران، سازمان ملل یک سال را در جهان سال گفت‌وگویی تمدن‌ها اعلام کرد.

تشکلهای سیاسی و مدنی تقویت شدند. فرهنگ سیاسی مدارا و آزادی مخالف و گفت‌وگو رشد کرد. نشریات جامعه مدنی و دانشجویی رشد

تصاعدي پيدا كرد. تيراژ نشر كتاب، تئاتر و محصولات فرهنگي افزايش يافت و سينماي ايران جهاني‌تر شد. بنا بر اين به راحتي مي‌توان از نتايج انتخابات دوم خرداد دفاع كرد.

اما از پس همه اين دستاوردها انتخابات سال 1384 رخ داد و احمدي‌نژاد در آن به پيروزي رسيد. ارزيابيتان از اين رخداد چيست؟ مساله اقتدارگرايي و مخالفان آن موضوعي ريشه‌دار در ايران است و در يك روند تدريجي و تاريخي بايد به حل آن فكر كرد. همان موقع، در دوره اصلاحات هم، دولت پنهان مهم‌ترين دغدغه‌اش اين بود كه به مردم نشان دهد كه با راي مردم چيزي تغيير نكرده و نمي‌كند. در صدا و سيما دستاوردهاي دوم خرداد تخطئه مي‌شد. بخشي از مردم و دانشجويان راديكال هم باور كردند و از خاتمي عبور كردند. خود اصلاح‌طلبان هم با چند نامزد وارد مبارزات انتخاباتي 84 شدند. در آن سال هاشمي، كروبي، معين و مهرعليزاده وارد مبارزات انتخاباتي شدند و در نتيجه از احمدي‌نژاد شكست خوردند. با اين همه نمي‌توان نتيجه گرفت كه شركت در انتخابات و مبارزات انتخاباتي كار بي‌فايده‌اي بود. وقتي كه احمدي‌نژاد به‌رغم صدها ميليارد درآمد نفتي و با قميژه‌هايش در سياست خارجي و مديريت جهاني، دست‌كشور ايران را به زير ساتور تحريم‌هاي هفت‌گانه شوراي امنيت برد، باز هم مردم در سال 1388 در انتخابات شركت كردند كه فضاي نيمه امنيتي كشور را بشكنند ولي نتوانستند. اما در انتخابات 1392 و 1396 اين كار را انجام دادند و شكستن فضاي نيمه امنيتي، باز هم با راي مردم امكان‌پذير شد.

در انتخابات 1400 كه در آن، نيمي از اصلاح‌طلبان به دليل رد صلاحيتها شركت نكردند و نيمي هم كه شركت كردند و همتي را نامزد خود كردند شكست خوردند و الان هم اوضاع فقر زده ايران را كه مي‌بينيد، باز هم از انتخابات دفاع مي‌كنيد؟

بله همچنان از جدي گرفتن انتخابات دفاع مي‌كنم و براي اين دفاع دو دليل دارم؛ اول اينكه الان قبول دارم كه وضع كشور از حيث داخلي و خارجي بحراني است. حاكميت علامتي از انعطاف و بازگشت به راي برابر مردم از خود نشان نمي‌دهد و دنبال پندارهاي خود است. دنبال گذشتن از پيچ تاريخ است و براي ساز و كار دموكراسي و انتخابات منصفانه، ارزشي قائل نيست. حاكميت افراد مويد كار حاكميت را دور خود جمع كرده، غره به دستاورد پهبادي، موشكي و هسته‌اي است. اينها همه درست، ولي شما به من بگوييد در اين شرايط راه اصلاح و تغيير وضع موجود چيست؟

من حرفم اين است همچنان راه تغيير و اصلاح امور كشور، جدي گرفتن سازوكار انتخابات است. راه‌هاي ديگر تغيير، پرهزينه يا نشدني است.

راه حل «ادامه وضع موجود» هم که ایران‌سوز است. در مسیر توسعه، کشورهای اطراف ایران نظیر امارات، قطر و کویت از ما به شدت جلو زده‌اند. ایران به عنوان دومین دارنده منابع گازی جهان فقط نیم درصد در بازار گاز جهان نقش دارد و قطر فسقلی نقش محوری در بازار گاز جهان دارد و متاسفانه اصولگرایان تندرو از اینکه واگن قطارشان را به لکوموتیو زنگزده پوتین در روسیه بسته‌اند، هنوز به خود نیامده‌اند. راه حل وقوع «ابرشورش» که راه حل مشکلات نیست بلکه ایران را ناامن‌تر می‌کند. راه حل انجام «انقلاب دیگر» هم که اصلاً شدنی نیست. حتی اگر انقلاب شدنی بود با حضور جریان‌های خطرناکی مثل نتانیاهو، ترامپ-پمپئو، فرقه رجوی، «سلطنت‌طلبان مستبد و آویزان محافل غربی» تمامیت ایران به مخاطره می‌افتد. درست است راه حل «انتخابات» ناهموار است ولی ممکن‌ترین و بهداشتی‌ترین راه ممکن برای مواجهه با بحران‌های ایران است.

دلیل دوم اینکه راه نجات کشور «بازگشت به مردم» و «تقویت گشایش سیاسی» و دموکراسی است و بدون کمک و رضایت مردم، ایران نمی‌تواند از بحران‌هایش موفق عبور کند و در مسیر توسعه پایدار و عادلانه بیفتد. حالا دلیل دوم من این است که بخشی از نخبگان «برداشت حداکثری از دموکراسی» دارند نه انتظار «دموکراسی حداقلی». در صورتی‌که دموکراسی حداقلی و گشایش سیاسی همراه با توسعه مثل دوره اصلاحات در ایران ممکن و عملی است ولی «دموکراسی حداکثری» مثل سوییس در این منطقه بحرانی خاورمیانه، ممکن نیست. توجه داشته باشید پس از گذشت دو و نیم قرن از تاریخ مدرن، تنها 15 درصد مردم جهان در شرایط «دموکراسی جاافتاده» و حداکثری زندگی می‌کنند و کثیری از مردم جهان همچنان در شرایط «اقتدارگرایی» و «نیمه و شبه دموکراسی» زندگی می‌کنند. لذا ما نباید با معیارهای دموکراسی و انتخابات حداکثری، سیاست در ایران را ارزیابی کنیم. ما باز می‌توانیم یا باید حداقل تلاش کنیم که از طریق انتخابات، تصحیح سیاست خارجی و داخلی را در ایران تشویق کنیم. باید همزیستی و مدارا بین اصولگرایان، اصلاح‌طلبان و تحول‌طلبان را تشویق کنیم و با دموکراسی حداقلی وضعیت بحرانی کنونی را پشت‌سر بگذاریم. حرف‌های گنده و غیرعملی راه حل مشکلات ایران نیست.

منبع: روزنامه اعتماد 29 اردیبهشت 1401 خورشیدی